

عوامل اسلامی شدن سبک زندگی

عیسی عیسی زاده^۱

چکیده

سبک زندگی هر جامعه‌ای، نمادی از باورها و ارزش‌های درونی آن جامعه است و زمانی آن جامعه می‌تواند به ثمرات آن دست پیدا کند که سبک زندگی او متناسب با آن باورها و ارزش‌ها شکل گرفته باشد. جامعه کنونی ما به سبب محروم‌بودن از عوامل تاثیرگذار در دینی شدن زندگی و تأثیرپذیری از فرهنگ غرب، نتوانسته است میان آن باورهای دینی و سبک زندگی خود در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، ارتباطی عمیق و تنگاتنگ ایجاد کند و در حقیقت از داشتن سبک زندگی اسلامی به معنای واقعی محروم مانده است. با اینکه بررسی آموزه‌های دینی و تأمل در آنها نمایانگر ظرفیت بالای این آموزه‌ها برای فرهنگ‌سازی و ارائه معیارهای رفتاری مناسب می‌باشد، اکنون باید بررسی شود چه راهکاری برای استفاده از این ظرفیت عظیم دینی برای اسلامی‌تر شدن سبک زندگی وجود دارد؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در شناسایی عوامل سوق‌دادن سبک زندگی به سمت آن معیارهای وحیانی و راه‌کارهای دست‌یابی به آن عوامل جستجو کرد. بر اساس این، تلاش شده است تا در این مقاله، چند عامل نقش‌آفرین و تاثیرگذار در اسلامی شدن سبک زندگی و راه‌های دسترسی به آن عوامل مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

سبک زندگی، اسلامی، ایمان، عالمان، حاکمان.

مقدمه

یکی از اهداف مهم تمام پیامبران و اولیای الهی، اصلاح سبک زندگی انسان‌ها بر اساس آموزه‌های عقلانی و وحیانی بوده است. تحقق چنین هدفی نیازمند وجود اختیارات و امکانات متناسب می‌باشد که یکی از مهم‌ترین آن، وجود حاکمیت مبتنی بر قوانین الهی می‌باشد؛ زیرا یک حکومت قدرتمند متکی بر قوانین وحیانی، در صورت برخورداری از حاکمان و مجریان صالح می‌تواند با اجرای آن قوانین، شیوه صحیح چگونگی زیستن یا همان سبک زندگی بر اساس الگوهای وحیانی را به بهترین صورت در جامعه تحقق ببخشد. حال که پس از قرن‌ها تلاش اولیای الهی، زمینه تشکیل حکومت اسلامی در کشور عزیزمان فراهم شده است، بر همگان اعم از حاکمان و مردم لازم است تا در کنار اصلاح و رشد اعتقادی و معرفتی، شیوه و سبک زندگی را نیز بر اساس آموزه‌های دینی، تنظیم و ساماندهی کنند و نسبت به رفع هرگونه سبک‌های غیر دینی در عرصه‌های گوناگون زندگی تلاش نمایند؛ آن‌هم در موقعیتی که به فرموده مقام رهبری، یکی از اهداف اصلی دشمنان اسلام و ملت ایران، تغییر فرهنگ و اخلاق مردم به‌ویژه سبک زندگی آنان است (بیانات رهبری: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴). «و دشمنان اسلام و مسلمین، تمام سعی خود را به کار گرفتند تا با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین امکانات روز، عقاید دینی جوامع اسلامی را مورد هدف قرار دهند و با تضعیف باورها» (بیانات رهبری: ۱۳۸۰/۳/۲)، سبک زندگی ضد دینی را در میان مسلمانان حاکم نمایند.

بر همین اساس، باید در مقابله با این تهاجم فرهنگی، هر آنچه که در اسلامی ترشدن شیوه زندگی موثر است، مورد توجه همگان قرار گرفته و از آنچه که سبب فاصله‌گرفتن شیوه زندگی از آموزه‌های اسلامی و تسلط فرهنگ بیگانگان در بلاد اسلامی می‌شود، پرهیز گردد؛ زیرا هویت هر جامعه‌ای، فرهنگ آن جامعه است که در صورت هرگونه انحراف در آن، دیگر عرصه‌ها نیز به نابودی خواهد کشید در حدی که با کمترین تغییر فرهنگ هر جامعه‌ای، به راحتی شیوه سبک زندگی نیز تغییر خواهد کرد. به دلیل همین اهمیت و تأثیرگذاری فرهنگ در دیگر عرصه‌ها است، که مقام معظم رهبری - این چشم بیدار امت - بارها نسبت به تهاجم، شیخون و غارت فرهنگی از سوی دشمنان هشدار داده و با مشاهده نشانه‌هایی از نفوذ فرهنگ بیگانگان در سبک زندگی در جوامع اسلامی، به‌ویژه

کشور عزیزمان، توصیه‌های راهگشایی به همگان بیان کردند (بیانات رهبری: ۹۱/۷/۲۳). که در صورت توجه و عملیاتی کردن آنها، بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد. امیدواریم همه آنانی که درد دین و دین‌داری برای خود و دیگران دارند، با بهره‌گیری از هدایت‌گری‌های رهبر عزیز و با استفاده از این فرصت‌های طلایی که به برکت خون شهیدان به ما هدیه شده است، در اسلامی‌تر نمودن عرصه‌های گوناگون زندگی، قدم‌های موثری برداشته تا هر چه زودتر به یاری خداوند، زمینه ظهور آن منجی عدالت‌گستر و حیات‌بخش فراهم گردد و سبک زندگی اسلامی به معنای واقعی در جامعه پیاده شود.

سؤالات پژوهش

۱. مفهوم سبک زندگی اسلامی چیست؟
۲. چه رابطه‌ای بین آموزه‌های دینی و سبک زندگی وجود دارد؟
۳. مهم‌ترین عوامل اسلامی شدن سبک زندگی چیست؟
۴. آیا ارتقای ایمان و باورهای قلبی می‌تواند در اسلامی شدن سبک و شیوه زندگی نقش داشته باشد؟
۵. راهکارهای ارتقا و تحکیم باورهای قلبی چیست؟
۶. سبک و شیوه زندگی دعوت‌کنندگان به آموزه‌های دینی چه تاثیری در اسلامی شدن شیوه زندگی مردم دارد؟
۷. آیا سبک زندگی حاکمان و مدیران جامعه می‌تواند در اسلامی‌تر شدن شیوه زندگی مردم نقش داشته باشد؟

مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی، نظام‌واره خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص، اختصاص دارد (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۲۸، مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۶-۷۸). به عبارت دیگر، شیوه‌ای به نسبت، ثابت است که فرد، اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند (کاوایی، ۱۳۹۱: ۱۶). سبک زندگی اسلامی، شیوه زندگی فردی و اجتماعی است که همه یا بیشتر

متدینان به اسلام یا گروه مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می‌کند و در رفتارشان منعکس می‌شود (مصباح، ۱۳۹۲: ۶).

مقام معظم رهبری که یکی از دغدغه‌های فکری ایشان، مباحث فرهنگی و سبک زندگی و تبیین درست الگوی زندگی اسلامی در بین مردم می‌باشد، سخنانی در رابطه با سبک زندگی بیان کردند، که به‌نوعی همان تعریف سبک زندگی از منظر ایشان می‌باشد: رفتار اجتماعی و سبک زندگی تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به‌طور طبیعی متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن ایمان است؛ یک هدفی را باید ترسیم کنیم (هدف زندگی را) به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست. کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم یا فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد، بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت؛ به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت؛ مسئله ایمان مهم است؛ ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی، اعتقاد به یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (بیانات رهبری: ۲۳ / ۷ / ۹۱).

در نهایت می‌توان گفت: سبک زندگی همان هیئت ترکیب آداب می‌باشد؛ با این بیان که رفتارهای ساده و جلوه‌های ظاهری افراد، وقتی به‌صورت یکپارچه در نظر گرفته می‌شود، سبک زندگی آنان را رقم می‌زند. مواردی همچون الگوی مصرف، آداب معاشرت، پوشش، آرایش، تغذیه، مسکن، گذران اوقات فراغت و مسافرت در یک بسته کامل از سبک زندگی افراد قرار دارند. این جلوه‌های رفتاری، نمای خارجی شخصیت افراد در محیط زندگی و نشانی از عقاید، باورها، ارزش‌ها و علاقه‌های آنان می‌باشد و ترکیب آنها، شخصیت فردی و اجتماعی آنان را نشان می‌دهد (حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱).

سبک زندگی در آموزه‌های دینی

بازخوانی آموزه‌های اسلام و ژرف‌اندیشی در آن، ظرفیت بالای این آموزه‌ها را برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب نشان می‌دهد؛ زیرا انتزاعی‌ترین لایه‌های

اعتقادی و معرفتی تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروز با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود، در چارچوب نظام معنایی اسلام، جای گرفته و در مسیر تکامل و سعادت انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. قرآن کریم که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به‌شمار می‌رود، سرشار از الگوهای است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند و در پرتو آیات آن، سیره پیامبر گرامی اسلام ۹ نیز به‌عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است. هم‌چنین روایات فراوانی از اهل بیت 7 در اختیار جامعه مسلمان قرار دارد که با الهام از تعالیم نورانی قرآن کریم و در شرائط متفاوت اجتماعی، مصادیق متعددی از الگوهای زندگی دینی را تبیین و معرفی کرده‌اند. به‌خصوص بهره‌مندی برخی از این دوره‌های تاریخی از تمایزات ویژه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی برای زمان ما که جامعه اسلامی بار دیگر در دوره‌ای قرار گرفته، می‌تواند دستاوردهای بسیار مهمی را در پی داشته باشد (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۳۴ - ۴۱).

مقام معظم رهبری در مورد وجود راهکار و برنامه چگونگی زیستن در آموزه‌های دینی فرمودند: «اسلام فقط برای این نیامد که اعتقادی را در زوایای قلب و ذهن انسان‌ها به وجود آورد و لو آن اعتقاد در عمل و زندگی آنها هیچ‌گونه اثری ندارد. اسلام آمد تا زندگی را متحول کند و راه بشر را تصحیح نماید. اعتقاد به اسلام، سرچشمه علم بشر است، احکام و قوانین اسلام، فراگیر همه عرصه‌های زندگی انسان‌هاست. زندگی اجتماعی، زندگی فردی، زندگی سیاسی و مشی اقتصادی - و اسلام برای همه آنها برنامه و راهنمایی دارد. امروز به‌حمدالله ملت ایران مفتخر است که همه عرصه‌های زندگی خود را تحت تعلیم اسلام گذاشته است، البته واقعیت زندگی ما، با آن چیزی که اسلام از ما می‌خواهد، فاصله بسیار زیادی دارد لکن جهت‌گیری نظام اسلامی به سمت پرکردن این فاصله است» (بیانات رهبری: ۱۳۸۰/۳/۲۰). ایشان در بیانی دیگر در تبیین معنای توحید به این مسئله اشاره کرده و گفتند: «بعثت نبی اکرم ۹ در درجه اول، دعوت به توحید بوده و توحید نیز صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری نیست، بلکه یک روش زندگی برای انسان‌هاست» (بیانات رهبری: ۱۳۸۲/۷/۲). ایشان در تعیین تکلیف مسلمانان در سبک معاشرت و دیگر عرصه‌ها از سوی اسلام، فرمودند: «اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و

در معاملاتشان معین کرده است» (بیانات رهبری: ۱۳۶۹/۱۰/۱).

بنابراین با مراجعه به منابع غنی اسلام، می‌توان نمونه‌های فراوانی را برای اثبات این امر ارائه کرد. بسیاری از بایدها و نبایدهای قرآن و آموزه‌های اهل بیت ۷ به شیوه‌های عملی چگونگی زیستن، می‌پردازند. به‌عنوان نمونه، روایات فراوانی مربوط به شیوه در حوزه فردی همچون، خوردن و خوابیدن، پوشش، مسکن، مسافرت و در حوزه اجتماعی، همچون تعامل با دیگران، در حوزه خانوادگی، همچون شیوه تعامل با اهل خانه و بستگان و در حوزه محیط زیست، همچون شیوه برخورد با حیوانات، از امامان معصوم : نقل شده است. علاوه بر این، خداوند سبحان نیز برای دسترسی آسان انسان به بهترین سبک زندگی، در کنار ابلاغ بایدها و نبایدها، سبک و سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ را به‌عنوان الگو در اختیار بشر قرار داد و همگان را به پیروی از آنان توصیه فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب: ۲۱).

عوامل تأثیرگذار در اسلامی شدن سبک زندگی

در اسلامی شدن سبک زندگی، عوامل گوناگونی نقش دارد اما بعضی از آنها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد. در این مقاله، تلاش شده است تا سه عاملی که در تأثیرگذاری بر سبک و رفتار افراد در آموزه‌های دینی توجه ویژه‌ای به آنها شده است، مورد بررسی قرار گیرد.

۱. تقویت ایمان و باورهای قلبی

سبک زندگی افراد و جوامع می‌تواند نشانه‌ای از سطح ایمان و باورهای آنان باشد. قرآن کریم در تأیید این مطلب آورده است: «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَآ يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا» سرزمین پاکیزه (حاصل‌خیز) گیاهش به فرمان پروردگارش می‌روید و سرزمین ناپاک (و شوره‌زار) جز گیاه اندک بی‌ارزش از آن نمی‌روید» (اعراف: ۵۸).

امیرمؤمنان علی ۷ نیز در اینکه نوع رفتارهای انسان متأثر از باورهای قلبی اوست و می‌توان بوسیله شیوه رفتار به سطح ایمان افراد دست یافت، فرموده است: «فبالإيمان يستدلُّ على الصَّالِحَاتِ وَ بِالصَّالِحَاتِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ» (شریف رضی، ۱۳۷۸: ۱۵۵)؛ ایمان را بر

کرده‌های نیک می‌توان دلیل گرفت و از کردار نیک هم، می‌توان ایمان را تشخیص داد. امام صادق 7 هم، درباره ارتباط ظاهر و باطن و تأثیر باورهای درونی در رفتار ظاهری، می‌فرماید: «آلودگی ظاهر، اثر و معلول آلودگی باطن است؛ کسی که درون خود را تطهیر کند، خداوند بیرون او را پاک می‌کند و کسی که در درون، پروای خدا را داشته باشد، خداوند در آشکار او را رسوا نمی‌کند اما کسی که در نهان، به خدا خیانت کند، خداوند متعال در آشکار، او را رسوا و بی‌آبرو می‌کند» (حسن مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰۷).

البته باید توجه داشت که زمانی اعمال و رفتار می‌تواند نمایانگر باورهای درونی و ایمان افراد باشد و میزان سنجش اعتقادات درونی قرار بگیرد که آن عمل به صورت مستمر در موارد گوناگون از آنان سر بزند و گرنه با انجام یک‌بار عمل، نمی‌توان پی به ایمان و اعتقاد درونی آن فرد برد؛ زیرا چه بسا، آن عمل به صورت اتفاقی آن هم در شرایط خاصی از او سر زده باشد. بنابر این اگر شیوه و سبک رفتاری کسی، علی‌رغم اظهار ایمان و دین‌داری، سنخیتی با ایمان و باورهای دینی وی نداشته باشد، این امر، دلیل بر ضعف و سطحی بودن آن باورهای قبلی او می‌باشد.

از امام حسین 7 سخنی در تأیید این حقیقت نقل شده است که فرمود: «الْأَنَاسُ عَيْبُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵)؛ همانا مردم بندگان دنیا هستند و دین همچون تکه‌ای گوشت بر روی زبانشان است تا زمانی که زندگی آنان اقتضا کند، آن را در دهان می‌چرخانند، اما زمانی که با بلاها مورد آزمایش قرار گیرند، دین‌داران (واقعی) اند.

با توجه به تأثیر گذاری باور و ایمان عمیق در رفتار و کردار، وقتی فرد گناه کاری به امام حسین 7 رجوع می‌کند و راه چاره‌ای برای ترک گناه می‌خواهد، امام 7 او را به این نکته توجه داده و در تقویت باور به خداوند و روز قیامت می‌فرماید: «پنج چیز را انجام ده، هر گناهی که خواستی انجام بده: اول اینکه رزق خدا را نخور و هر گناهی که خواستی انجام بده؛ دوم اینکه از ملک خدا خارج شو و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده؛ سوم اینکه به جایی برو که خداوند تو را نبیند و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده؛ چهارم: زمانی که سفیر مرگ برای گرفتن جان‌ت آمده، او را از خود دور کن و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده؛ پنجم: زمانی که مالک دوزخ تو را در آتش انداخت داخل نشو و هر

گناهی که می‌خواهی انجام ده» (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۷۸: ۱۲۶).

با تأمل در این توصیه سیدالشهدا ۷ پی خواهیم برد که مهم‌ترین عامل تغییر و اصلاح سبک رفتار و کردار در زندگی و سوق‌دادن آن به سمت آموزه‌های دینی، تقویت باورهای قلبی نسبت به خداوند و اوصاف توحیدی و هم‌چنین باور به وجود عالم قیامت است. مرحوم علامه طباطبایی نیز، ذیل آیه ۲۴ سوره ابراهیم در باره تأثیر‌گذاری اعتقادات بر رفتارها، فرموده است: «باورهای حق، سبب رویش اخلاق پسندیده و منشاء ایجاد اعمال شایسته می‌گردد» (طباطبایی، ج ۵۲: ۱۲). بر همین اساس ایشان، قائل است که اختلاف سبک‌ها در جوامع انسانی، ریشه در مذاهب مختلف دارد و گوناگونی شیوه‌های زندگی در جوامع بشری نیز از گوناگونی اصول اعتقادی آنها درباره حقیقت عالم سرچشمه گرفته است (طباطبایی، ج ۱۶: ۲۰۰-۲۰۱).

شهید مطهری هم در نقش‌آفرینی ایمان بر سبک و سیره زندگی انسان می‌فرماید: «آن چیزی که لازم است مورد توجه واقع شود، این است که تنها ایمان قادر است که فرد را به صورت یک انسان واقعی درآورده، هم خودخواهی، هم خودپرستی را تحت الشعاع عقاید و مسلک قرار دهد و هم نوعی تعبد و تسلیم در فرد ایجاد کند، طوری که انسان در کوچک‌ترین مسئله‌ای که مکتب عرضه می‌دارد، به خود، تردید راه ندهد و هم آن را به صورت یک شیء محبوب و گران‌بها درآورد در حدی که زندگی بدون آن، برایش هیچ و پوچ و بی‌معنی باشد» (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۲: ۴۱ و ۴۲).

حوزه‌های تأثیر ایمان در سبک زندگی

ایمان و باورهای دینی، از قوی‌ترین عوامل تأثیرگذار در رفتار و سبک و سیره انسان است، باورهای عمیق، تحوّل و تغییر جدی در شیوه زندگی را به دنبال دارد و می‌تواند سرچشمه پدیدارشدن آثار فراوانی در حوزه‌های فردی، اجتماعی و حتی محیط زیست شود؛ زیرا ایمان به خداوند و وحی و رسالت و ایمان به عالم قیامت، سبب تغییر در نگرش انسان نسبت به جهان هستی و فلسفه وجودی تمام موجودات عالم از جمله خود انسان می‌گردد و این تغییر نگرش است که زمینه تعیین اهداف زندگی انسان‌ها را فراهم می‌کند که در نتیجه، آن هدف مشخص شده می‌تواند شیوه و سبک تعامل انسان با خود و خدا و

تعامل با دیگران و محیط زیست را تعیین کند. بر اساس همین با بررسی زندگی انسان‌های مومن واقعی و باورمند، می‌تواند وجود این هدفمندی و آثار ایمان را در تمام عرصه‌های زندگی‌شان، حتی در جزئی‌ترین مسائل، مشاهده کرد؛ چرا که ایمان راستین به حکیمانانه بودن تمام توصیه‌های خداوند و اولیائش در چگونگی زیستن، سبب اطمینان خاطر به سودمندی عمل به آن توصیه‌هاست و همین اطمینان است که معیار انتخاب و مُحَرِّک اصلی زندگی بشر است.

با بررسی آموزه‌های نورانی قرآن و اهل بیت 7 می‌توان شواهد فراوانی در اثرگذاری ایمان بر سبک و شیوه زندگی در حوزه‌های گوناگون ارائه کرد که در این بخش به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

الف: تعامل با خداوند

یکی از حوزه‌های تأثیرگذاری ایمان، حوزه تعامل انسان با خداوند است؛ انسان‌هایی که از درجات عالی ایمان برخوردار هستند، رابطه خویش با خداوند را با اقامه نماز، (بقره: ۳، انعام: ۹۲، انفال: ۳ و ۴) دعا (آل عمران: ۱۷، الذاریات: ۱۸) و تهجد (فرقان: ۶۴، سجده: ۱۵ و ۱۶، الذاریات: ۱۷) در اعلی‌ترین مرتبه، حفظ می‌کنند و در سخت‌ترین شرایط همانند عرصه‌های جنگ و جهاد، حاضر نیستند این ارتباط مستقیم را از دست بدهند. زیرا به حقیقت کلام وحی «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۱۴۵)؛ ایمان راسخ دارند، که ارتباط با خالق هستی، فلسفه خلقت آنان است «ما خلقتُ الجنَّ و الإنسَ الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶). لذا حاضر نیستند، هیچ چیزی را در زندگی، جایگزین این ارتباط مقدس قرار دهند و از هر چیزی که بخواهد به این رابطه بندگی، صدمه وارد کند، پرهیز می‌کنند و هیچ لذتی را با لذت بندگی خدا عوض نمی‌کنند.

اثربخشی ایمان حقیقی در تعامل با خداوند، انسان مومن را به درجه‌ای می‌رساند که خداوند را در همه شئون زندگی حاضر و ناظر می‌بیند و فقط رفتار و خشنودی او را در تمام کارهایش مورد توجه قرار می‌دهد. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲)، «و يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِيْنَا وَ يَتِيمَا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُوجْهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» (انسان: ۸ و ۹).

ب: تعامل با دیگران

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند در اسلامی شدن سبک در حوزه برخورد با دیگران، اعم از اعضای خانواده، بستگان، دوستان، همسایه‌ها، شهروندان و ... نقش مهمی داشته باشد، ایمان و باور قلبی به خداوند و عالم قیامت است، زیرا معیار و ملاک انسان‌های بهره‌مند از ایمان در تعامل با دیگران، رضای خدا و رعایت توصیه‌های قرآن و آموزه‌های اهل بیت 7 و اولیای الهی می‌باشد. بر همین اساس آنان با توجه به سخن پیامبر اکرم 9 که درباره شیوه برخورد با خانواده فرمود: «ایمان کسی کامل‌تر است که خوش اخلاق‌تر و مهربان‌تر با خانواده‌اش باشد و من از همه شما با خانواده‌ام مهربان‌ترم» (علی بن محمد ابن بابویه، ۱۳۰۴، ج ۲: ۳۶) تلاش می‌کنند تا با خانواده خویش، چنین رفتاری داشته باشند و با در پیش گرفتن بردباری در برابر مشکلات زندگی نمی‌گذارند آسیب‌های اجتماعی همچون: طلاق و اعتیاد، سلامت خانواده‌شان را به خطر اندازد. بررسی آماری نیز نمایان‌گر این مطلب می‌باشد که ایمان و اعتقادات مذهبی خانواده‌ها، یکی از عوامل پایین‌ماندن آمار طلاق در این گونه خانواده‌ها می‌باشد (فاتح‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱۷ تا ۱۳۶).

آنان با استفاده از آیات الهی - که درباره سبک تعامل با والدین و مردم به ملاحظت، تواضع، خوش‌رویی و خوش‌کلامی، توصیه نموده است - سعی می‌کنند تا این ملاک را در مواجهه با مردم رعایت نمایند و هنگام روبروشدن با افراد جاهل از اظهار هرگونه خشونت و عصبانیت خودداری می‌کنند (بقره: ۸۳، اسراء: ۲۴، فرقان: ۶۳، عنکبوت: ۸، مجادله: ۱۱). آنان در هنگام برخورد با ناملايمات و حوادث روزگار نیز، یاد خدا را سرلوحه زندگی خویش قرار می‌دهند و با یادآوری آیه استرجاع؛ «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۱۵۶) ارتباط خویش را با خدا حفظ کرده و خود را در معرض رحمت الهی قرار می‌دهند؛ «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره: ۱۵۷).

ج: حوزه فردی

یکی دیگر از حوزه‌هایی که ایمان می‌تواند تغییرات جدی در آن ایجاد کند، حوزه فردی است؛ زیرا انسان مومن، به دلیل آنکه تمام توصیه‌های دین اسلام را دارای حکمت و

منفعت دنیوی و اخروی می‌داند، تمام همّت خویش را برای پیاده کردن آن‌ها در زندگی خود صرف می‌کند تا بتواند به آن منافع دست یابد. بر همین اساس، معیار و ملاک انتخاب آنان در شیوه خوردن، خوابیدن، پوشش، آرایش، مسکن، مسافرت، کسب و کار، گذراندن اوقات فراغت، مهمانی، نظافت، شادی، غم، دانش‌اندوزی و ... سبک‌ها و مدل‌های تعیین شده در آموزه‌های دینی است، و از هر نوع سبکی که بر خلاف توصیه‌های دینی باشد، در زندگی خود از آن پرهیز می‌کند و به هیچ‌وجه حاضر نیست به سبب جلب رضایت غیر خدا، عمل به آموزه‌های دینی را ترک کند و از حدود الهی دست بکشد (توبه: ۱۱۱ و ۱۱۲).

اطاعت و پیروی از دستورات خداوند و پیامبرش ۹ یکی دیگر از ملاک‌های مهم در تمام کارهای انسان با ایمان است (توبه: ۷۱). اهل ایمان و تقوا با بهره‌گیری از سخنان اهل بیت ۷ به‌ویژه خطبه نورانی متقین امیرمؤمنان علی ۷، تمام شئون زندگی خود - چه فردی، چه خانوادگی و چه اجتماعی - را بر اساس معیارهای مطرح شده در آن خطبه تنظیم می‌کنند؛ زیرا به این باور رسیده‌اند که تنها راه سعادت، پیروی از تقلید (قرآن و عترت) می‌باشد و هرگونه انحراف از مسیر این دو امانت الهی، جز گمراهی و بدبختی چیز دیگری را به دنبال نخواهد داشت (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۱: ۲۹۴).

متفاوت بودن تاثیر ایمان بر سبک زندگی

متفاوت بودن سطح ایمان و باورهای درونی افراد، سبب تفاوت در اثرگذاری آن باورها در سبک و شیوه رفتارهای آنان خواهد شد و هر چه درجه ایمان، بالاتر و عمیق‌تر باشد، اثرگذاری و انعکاس آن در رفتار، نمود بیشتری دارد. امام صادق ۷ در ذو مراتب بودن ایمان فرموده است: «همانا ایمان دارای ده درجه است. ایمان همچون نردبانی است که پله پله از آن بالا می‌روند» (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۲: ۴۵) در قرآن نیز به این نکته اشاره شده است آنجا که فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال: ۲)؛ مومنان، کسانی هستند که چون نام خدا برده شود، خوف بر دل‌هایشان چیره گردد و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود، ایمان‌شان افزون گردد و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

راه‌های تقویت ایمان و باورهای قلبی

با توجه به اینکه هر چه ایمان و باورهای قلبی افراد، قوی‌تر و عمیق‌تر باشد، سبک زندگی آنان در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی، اسلامی‌تر خواهد شد، ضرورت دارد تا همه افراد، برای دستیابی به یک زندگی اسلامی، در تقویت باورهای دینی تلاش نمایند. برای دستیابی به چنین امری، راهکارهای گوناگونی، هم در قرآن و هم در سخنان ائمه 7 وجود دارد که به چند نمونه از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. یاد خدا

بر اساس آیه ۲۶۰ سوره بقره، زمانی که حضرت ابراهیم 7 از خداوند درباره چگونگی زنده کردن مردگان، سؤال کرد، خداوند از وی پرسید: مگر ایمان نداری؟ آن حضرت در پاسخ گفت: ایمان دارم، ولی می‌خواهم، اطمینان قلبی برایم حاصل شود. این پاسخ ابراهیم 7 نشانگر آن است که درجه اطمینان قلبی، فراتر از ایمان است. با توجه به این نکته، باید دید که راه دست‌یابی به اطمینان، که فراتر از ایمان می‌باشد، چیست؟ خداوند برای رسیدن انسان به این مرحله، فرموده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها اطمینان و آرامش پیدا می‌کند (رعد: ۲۸).

۲. دیدن معجزات و کرامات

یکی دیگر از راه‌های ارتقای ایمان به اطمینان قلبی که خداوند به حضرت ابراهیم 7 آموخته است، مشاهده زنده‌شدن چهار پرنده کشته‌شده، به اذن پروردگار، بوده است (بقره: ۲۶۰). بنابراین با توجه به وجود معجزه بزرگ الهی؛ یعنی قرآن کریم و وجود اسناد قطعی درباره کرامات ائمه اطهار 7 و اولیای الهی، آگاهی دقیق و تأمل در آنها می‌تواند در تقویت ایمان و باور انسان، نقش مهمی ایفا نماید.

۳. انس با قرآن

انس با قرآن، یکی دیگر از راه‌های تقویت ایمان است که خداوند در توصیف مؤمنان به آن اشاره کرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمُ

آیائهُ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا و عَلٰی رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ» (انفال: ۲)؛ مؤمنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود، خوف بر دل‌های‌شان چیره گردد و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود، ایمان‌شان افزون گردد و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

۴. محبت اهل بیت 7

یکی از اموری که سبب تقویت و تحکیم ایمان می‌شود، محبت و مودت اهل بیت پیامبر اکرم ۹ می‌باشد. بر اساس آیه قرآن «قُلْ لَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی» (شوری: ۱۳)؛ اگر خداوند به رسول خود فرمان داده است، که به امت خویش بگو: «من به جز مودت و دوستی اهل بیتم، چیزی دیگری از شما نمی‌خواهم، فایده این توصیه، بنابر مفاد آیه ۴۶ سوره سبأ - «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ اِنْ اَجْرِيْ اِلَّا عَلٰی اللّٰهِ» - به خود امت بر می‌گردد در غیر این صورت، پاداش رسالت حضرت، بر عهده خود خداوند است. بر همین اساس، امیر مؤمنان علی 7 در فایده محبت و عشق اهل بیت 7 فرموده: «خوشا به حال کسی که محبت ما اهل بیت 7 در قلب او رسوخ داشته باشد؛ ایمان در قلب چنین کسی، ثابت‌تر از کوه اُحُد در مکانش خواهد بود و هر کس که دوستی ما در قلب او جای‌نگیرد، ایمان در قلب او مانند ذوب شدن نمک در آب، ذوب می‌شود» (هلالی، ۱۴۱۶: ۵۱۵ و ۵۱۶).

۵. عمل به موعظه‌های خداوند

یکی دیگر از راه‌های تقویت و تحکیم ایمان، عمل کردن به احکام و موعظه‌های الهی است؛ زیرا وقتی انسان به نیت تقرب و جلب رضای خداوند به موعظه‌های خداوند و اولیای او عمل کند، مشمول برکات و فضائل الهی می‌شود، قرآن در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ اَنَّهٗمْ فَعَلُوْا مَا يُوْعَظُوْنَ بِهٖ لَكَانَ خَيْرًا لَّهٖمْ وَّ اَشَدُّ تَثْبِيْتًا»؛ و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می‌شد، انجام می‌دادند، برای آنها بهتر بود و سبب تقویت ایمان آنها می‌شد (نساء: ۴۶).

۶. دعا کردن

وقتی خداوند در قرآن، انسان را دعوت به دعا کردن می‌کند و وعده اجابت را هم می‌دهد - «اُدْعُوْنِیْ اَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) - حتماً اگر کسی با رعایت شرائط اجابت دعا، از

خداوند، تقویت و تحکیم ایمانش را بخواهد، خداوند نیز به دعایش پاسخ مثبت می‌دهد و ایمانش را استوار خواهد کرد. بر همین اساس، ائمه هدی ۷ برای حفظ و تحکیم ایمان، خواندن بعضی از دعاها را سفارش نمودند (شیخ عباس قمی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

۷. کسب فضیلت‌های اخلاقی

کسب فضایل اخلاقی گرچه منشأ اصلی ایجاد آنها، ایمان است اما تقویت و تحکیم ایمان، هم به استمرار این گونه اعمال مرتبط است. لذا خداوند در قرآن فرموده است: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى» (محمد: ۱۷)؛ کسانی که هدایت الهی را بپذیرند، خداوند هدایت آنها را زیادتر می‌کند. در میان سخنان اهل بیت ۷ نیز در این باره نکات ارزشمندی وجود دارد که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۷-۱. وفای به عهد، راستگویی، حیا و خوش اخلاقی

ابوحزمه ثمالی گفته است: از امام باقر ۷ شنیدم که می‌فرمود: چهار چیز است که در هر کس باشد، اسلام او کامل و بر ایمانش یاری می‌شود و گناهانش از وی پاک می‌گردد و به دیدار خدا رود در حالی که از او خرسند است و اگر سرپایش را گناه فرا گرفته باشد، خداوند آنها را بریزد و آن چهار صفت، عبارتند از: وفا به عهدی که انسان با خدا می‌بندد و راستگویی با مردم و شرم و حیا از آنچه که نزد خدا و مردم زشت می‌نماید و خوش خلقی با خانواده و سایر مردم (مفید، ۱۳۶۴: ۱۸۵).
در اثرگذاری خوش اخلاقی در تحکیم و تکمیل ایمان، از رسول خدا ﷺ نیز نقل شده است که فرموده: «اخلاق را نیکو گردان تا ایمانت کامل شود» (ری شهری، ۱۴۱۶: ج ۱) و آن حضرت در سخنی دیگر فرمود: «کامل‌ترین شما از جهت ایمان، خوش اخلاق‌ترین شما است» (حرانی، ۱۳۶۴: ۷۹).

۷-۲. استواری زبان

یکی دیگر از عوامل استحکام تقویت ایمان، استواری زبان و حفظ و حراست آن از هر گونه لغزش و انحراف است. امیر مؤمنان ۷ در این باره فرمود: «ایمان بنده‌ای، استوار و

محکم نگردد تا دل او استوار شود و دل استوار نمی شود تا زمانی که زبان استوار نگردد» (شریف رضی ۱۳۷۹: ۳۳۷).

۳-۷. وضوی کامل، نماز نیکو، پرداخت زکات، کنترل خشم، حبس زبان، استغفار و خیرخواهی

اهل بیت 7

پیامبر اکرم ۹ در مورد راهکار دست یابی به حقیقت ایمان، خطاب به حضرت علی 7 فرمود: «یا علی، سبعة من کُنَّ فیهِ، فقد استکملَ حقیقةَ الایمانِ و ابوابُ الجَنَّةِ مُفْتَحَةٌ لَه: مَنْ أَسْبَغَ وَضوءَهُ و أَحَسَّنَ صَلَاتَهُ و أَدَّى زَكوةَ مالِهِ و كَفَّ عَظْبَهُ و سَجَنَ لسانَهُ و اسْتَغْفَرَ لِذَنبِهِ و أَدَّى النَّصِيحَةَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ» (شیخ صدوق: ۱۴۱۳: ج ۴: ۳۵۸)؛ یا علی! هفت خصلت است که در هر کس باشد، حقیقت ایمان را دریافته و درهای پشت به سوی او گشوده می گردد، کسی که وضو کامل بگیرد، نمازش را نیکو ادا کند، زکاتش مالش را پردازد، خشم خویش را فرود برده، زبانش را از هر چه باطل و ناحق، حبس کند، بر گناهانش استغفار نماید و درباره اهل بیت پیامبر ۹ خیرخواه باشد. مراد از خیرخواهی برای اهل بیت پیامبر ۹ شناخت، پیروی، مودت، اعطاء حق و دفاع از حریم آنهاست.

۴-۷. شناخت دین، اعتدال در زندگی و صبر بر مشکلات

از امام صادق 7 درباره راه دست یابی به حقیقت ایمان، از پدرش امام باقر نقل کرده است که فرمود: «لا یستکملُ عبدٌ حقیقةَ الایمانِ حتی یكونَ فیهِ خِصالٌ ثلاثٌ؛ التَّفَقُّهُ فی الدِّینِ و حُسْنُ التَّقْدیرِ فی المَعِیشَةِ و الصَّبْرُ علی الزَّوایا» (برقی: ۱۳۷۱: ج ۱: ۶)؛ هیچ بنده ای به حقیقت ایمان دست نمی یابد، الا اینکه سه خصلت در او باشد، شناخت عمیق دین، تدبیر نیکو در زندگی و بردباری در مصیبت ها.

۵-۷. ترک دروغ

از امیر مؤمنان علی 7 درباره راه دست یابی انسان به حقیقت ایمان، نقل شده است که فرمود: «لا یجد عبد حقیقة الایمان حتی یدع الکذب جده و هزله» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱: ۱۱۹)؛

هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را نمی‌یابد مگر آن که دروغ را، چه جدی و چه به شوخی، ترک نماید.

۶-۷. دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا و همراهی با راستگویان

ابا حمزه ثمالی در این باره می‌گوید: از امام باقر ۷ پرسیدم، چه کاری کنم تا ایمان من کامل شود؟ آن حضرت فرمود: «توالی اولیاء الله و تُعدای أعداء الله و تُکونَ مع الصادقین» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲: ۱۱۷)؛ دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا و همراهی با راستگویان است.

۷-۷. تحصیل یقین

تحصیل یقین، یکی از راه‌های تقویت ایمان است؛ زیرا ایمان، بدون پشتوانه علم و یقین در هنگام مواجه شدن فرد با آسیب‌ها و خطرهای پیش‌رو، توانایی حفظ کردن انسان از سقوط را ندارد اما اگر ایمان، محصول آگاهی عمیق یعنی همان یقین، بوده باشد، انسان را در مقابل آسیب‌های گمراه‌کننده، حفظ خواهد کرد. امیر مؤمنان علی ۷ در این باره می‌فرماید: «قُوُوا إیمانکم بالیقین فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الدِّینِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۶۲)؛ ایمان‌تان را با یقین، قوی و محکم کنید؛ زیرا چنین ایمانی، از برترین دین‌هاست.

۲. همراهی گفتار با عمل دعوت‌کنندگان به آموزه‌های دینی

یکی از عواملی که در اسلامی شدن سبک زندگی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، عمل کردن به آموزه‌های دینی درباره چگونگی زیستن، از سوی کسانی است که در رساندن این آموزه‌ها به دیگران نقش دارند؛ زیرا زمانی که مردم ببینند، دعوت‌کنندگان آموزه‌های دینی، خود نیز به آنها عمل می‌کنند و سبک زندگی خود را بر اساس آنها بنا می‌نهند، خیلی بهتر و سریع‌تر آن توصیه‌ها را می‌پذیرند اما اگر این تقارن عمل با گفته‌ها را در گوینده مشاهده نکنند، آن توصیه‌ها را یا اصلاً نمی‌پذیرند و یا به سختی می‌پذیرند و گاهی همراه نبودن عمل با گفتار یا همراهی گفتار با عملی برخلاف آن از سوی دعوت‌کنندگان، اثر معکوس دارد و سبب نابودی پیام می‌شود و چه بسا مخاطبان را

به انجام خلاف آن آموزه‌های دینی، دعوت می‌کند.

در سخنان اهل بیت 7 توجه ویژه‌ای به این امر شده است. حضرت علی 7 درباره گروهی که پیشوایی مردم را به عهده دارند، فرمودند: «هر کسی که خود را پیشوای دیگران قرار داده، باید اصلاح خویش را بر اصلاح دیگران مقدم بدارد و پیش از آنکه مردم را با زبان خود دعوت نماید، با سیرت و رفتار خود دعوت کند. کسی که معلم و ادب‌کننده خویشان است، بر احترام سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی مردم است (شریف‌رضی، ۱۳۷۹: ۶۳۹). امام صادق 7 نیز در این باره فرمودند: مردم را با غیر زبان‌هایتان دعوت کنید (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۲: ۷۸).

امام خمینی 7 درباره ضرورت اصلاح دعوت‌کنندگان مردم، فرمودند: «ما که الان آن قدرت‌ها را از بین بردیم و الان هم مدعی هستیم که رژیم ما، اسلامی است و جمهوری ما، جمهوری اسلامی است. باید اکتفا به این نکنیم که یک لفظی را برداشتیم و یک لفظ دیگر جایش گذاشتیم یا یک رژیم را منقرض کردیم، یک رژیم دیگری جایش گذاشتیم. باید ما همه متوجه این معنا باشیم که لااقل این محیط بنگاه روحانی، این محیطی که سروکار دارند با قلوب مردم، دعوت می‌کنند مردم را و سروکارشان با دل‌های مردم است، شمایمی که سر و کارت‌ان با جان مردم است، باید کوشش کنید که جان خودتان را، قلب خودتان را اصلاح کنید، الهی کنید... حالا که ما نمی‌توانیم حضرت امیر 7 باشیم، شیعه‌اش هم نباید باشیم؟! نه، خود ایشان هم فرمودند، که شماها نمی‌توانید این طور باشید، لکن اعانت کنید مرا به تقوا و به امثال ذلک» (خمینی، ۵۲۱ ج ۱۳۶۴۸).

مقام معظم رهبری نیز در شرط اثرگذاری عمل مبلغان دینی می‌فرمایند: «در رفتار، نشست و برخاست، معاشرت، نگاه و عبادت ما، دل‌بستگی یا دل‌بسته‌نبودن ما به تنعمات دنیوی و خورد و خواب ما، رساترین تبلیغ یا ضد تبلیغ است. درست باشد، تبلیغ است. غلط باشد، ضد تبلیغ است. ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می‌توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزانیم در حالی که از مذمت شهوات دنیوی حرف می‌زنیم و در عمل خدای ناکرده خودمان طور دیگری عمل می‌کنیم! از مذمت دل‌سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده‌خواهی‌های دنیوی حرف بزنیم، اما عمل ما، طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر

کند؟ یا اصلاً اثر نمی‌کند، یا اثر زودگذر می‌کند، یا اثری می‌کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می‌شود، بنابراین، عمل بسیار مهم است» (بیانات رهبری: ۸۴/۱۱/۵).

اما در پیامد تبلیغ بدون عمل، مواردی در آموزه‌های دینی مطرح شده است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌گردد.

الف: سرزنش و خشم الهی

یکی از پیامد بسیار مهم گفتار بدون عمل، خشم، غضب و سرزنش الهی است. خداوند در سوره بقره در این باره فرمودند: «آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه کتاب آسمانی را تلاوت می‌کنید؟ آیا تعقل نمی‌کنید؟» (بقره: ۴۴) و در جای دیگر قرآن نیز فرمودند: «ای ایمان آورندگان! چرا چیزی می‌گویید؟ که آن را انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت مورد خشم است که چیزی را بگویید که انجام نمی‌دهید» (صف: ۳۲).

ب: بی اثر شدن موعظه

رسول خدا ۹ در این باره خطاب به اباذر فرود: «یا أَبَاذَرٍّ، مَثَلُ الَّذِي يَدْعُو بِغَيْرِ عَمَلٍ، كَمَثَلِ الَّذِي يَزْمِي بَغَيْرِ وَتْرٍ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳۴)؛ ای اباذر مثل کسی که مردم را به دین دعوت می‌کند اما خود اهل عمل نیست، مانند کسی است که تیراندازی می‌کند، بدون اینکه کمانی داشته باشد.

امام صادق 7 نیز در این باره فرمود: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ، زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصَّفَا» (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۱: ۴۴)؛ عالم اگر به علم و دانش خود عمل نکند، موعظه او از دل‌ها می‌لغزد، همان طوری که باران از سنگ صاف و غیر قابل نفوذ می‌لغزد.

ج: دوری از خدا

امام سجاد 7 در این باره فرموده است: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ لَمْ يَرُدِّدْ صَاحِبُهُ إِلَّا

كُفْرًا وَّلَمْ يَزِدْ مِنْ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱: ۴۵)؛ اگر عالمی به علم خود عمل نکند، این علم موجب کفر برای صاحبش می شود و برای او چیزی از جانب خدا، جز دوری از خدا نمی آورد.

د: افسوس در قیامت

امام باقر ۷ در این باره فرمودند: «أَبْلَغُ شَيْعَتَنَا أَنَّهُ لَنْ يَنَالَ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِعَمَلٍ وَأَبْلَغُ شَيْعَتَنَا أَنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ يَخَالِفُهُ إِلَّا غَيْرِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۲: ۳۰۰)؛ به شیعیان ما برسان که به نعم الهی نزد خدا نایل نمی شوید مگر با عمل و هم چنین به شیعیان ما برسان که حسرت مندترین مردم در روز قیامت کسی است که عدل و عدالت را بیان کند اما خودش به آن عمل ننماید.

و: فساد جامعه

امام خمینی ؛ در این باره فرمودند: «ملت‌ها چشم‌شان به دانشمندان] آن] دوخته‌اند؛ اگر چنانچه عالم، فاسد بشود، عالم فاسد می شود: «إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ»؛ برای اینکه عالم چشمش را به عالم دوخته است. توجه توده مردم به متفکرین کشور است، به علمای کشور است؛ اگر خدایی نخواست آنها فاسد بشوند، همه کشور به فساد کشیده می شود و اگر آنها صالح باشند، همه کشور به صالح و سداد کشیده می شود ... من خودم ... که سابقاً یک وقتی می رفتم بعضی از شهرها را می دیدم که مردمش صالحند و خونند، وقتی توجه می شد، که چه طور این ها همه، مردم صالح خوبی هستند؟ معلوم می شد که عالم آن شهر، آدم خیلی خوبی است. این ها همه اقتدا کرده‌اند به آن عالم که خوب است» (امام خمینی، ۱۳۶۴ ج ۷: ۲۲۵).

۳. عینیت‌بخشی به آموزه‌های اسلامی در زندگی حاکمان و مدیران

یکی دیگر از عوامل مهم که در اسلامی شدن سبک زندگی مردم نقش تأثیرگذاری دارد، شیوه و سبک زندگی حاکمان و مدیران جامعه هست، این مسئله یک واقعیت اجتماعی انکارناپذیری است که هم در قرآن و هم در سخنان اهل بیت : به آن

اشاره شده است، آنجا که می‌فرماید: «و (در قیامت) همه آنها در برابر خدا ظاهر می‌شوند، در این هنگام، ضعفا (پیروی کنندگان نادان) به مستکبران (و رهبران گمراه) می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، آیا اکنون که به خاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده‌ایم، شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟ (سوره ابراهیم: ۲۱ و سوره غافر: ۴۷).

در سخنان امیر مومنان علی ۷ نیز آمده است که فرموده‌اند: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸)؛ مردم به امیران و حاکمان شبیه‌ترند تا به پدران‌شان. امام خمینی؛ هم در اثرگذاری سبک و سیره زندگی حاکمان بر اصلاح جامعه، به شیوه عملی زندگی امیر مومنان علی ۷ اشاره کرده و فرموده است: «یک حاکم عادل، یک مملکت را به عدالت می‌کشد اگر فرض کنید، یک نفر مثل حضرت امیر ۷ حکومت داشته باشد در یک مملکتی، سیره او را وقتی که اهل این مملکت ببینند که زندگی خودش چی هست، چه جور هستند، زندگی اولاد خودش چه جور هستند، وقتی توده مردم نگاه کردند به رئیس مملکت‌شان، وضع خوراک و پوشاکش از خود آنها کمتر است. وقتی که می‌آید، نماز جمعه می‌خواهد بخواند، چون یک پیراهن دارد، شسته و تر پوشیده است - به حسب تاریخ - بالای منبر، وقتی خطبه می‌خواند، دامنش را این‌طور می‌کند که خشک بشود، یک پیراهن دارد. وقتی که دو تا پیراهن کرباس می‌خرد، خوبش را می‌دهد به قنبر - به حسب تاریخ - و بدش را خودش تنش می‌کند... وقتی مردم دیدند یک همچون موجودی ... بر سرتاسر کشورهای زیاد، همچون ایران، مصر، عراق، حجاز و یمن، جزء حکومت اوست، ولی وقتی که زندگی‌اش را می‌بینند می‌گویند: یک همچو زندگی می‌کند... وقتی مملکت یک همچو موجودی رأسش باشد، اصلاح می‌شود. اسلام این را می‌خواهد ما که فریاد می‌زنیم که حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی، البته ما نمی‌توانیم یک همچو موجودی پیدا کنیم، خودش هم فرموده، شما قدرت بر این ندارید، لکن اعانت کنید مرا به سداد و درستکاری» (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۷: ۲۵۷).

مقام معظم رهبری نیز در این باره، در دیدار با مدیران ارشد نظام به این مسئله اشاره کرده و فرموده است: «ریخت و پاش ما (حاکمان و مسئولان) مُشَوِّق ریخت و پاش دیگران است؛ در واقع «النَّاسُ عَلٰی دینِ مُلُوكِهِمْ» (ابن بابویه، ج ۱: ۱۵). ملوک در اینجا به معنای

پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم، نه، ملوک، شماها هستید، الناس علی دین ماها» ایشان برای تأیید این سخنان خویش در تأثیرگذاری سبک زندگی حاکمان در شیوه زندگی مردم، از وقایع تاریخی استفاده کرده و فرموده است: «در یکی از تاریخها، خواندم زمانی که ولید بن عبدالملک خلیفه شده بود، چون خیلی اهل جمع کردن ثروت و جواهرات و اشیاء قیمتی بودند، مردم کوچه و بازار وقتی به همدیگر می‌رسیدند، مکالماتشان از این قبیل بود: آقا! فلان لباس را آوردند، شما خریدید؟ آقا! فلان نگین را فلان کس آورده، شما خریدید؟ یعنی مردم همه‌اش راجع به خرید و فروش وسایل و اشیاء زینتی و امثال این‌ها حرف می‌زدند. بعد از ولید، سلیمان بن عبدالملک خلیفه شد، او اهل ساختمان‌سازی بود و به کاخ‌سازی و ساختمان‌سازی خیلی عشق می‌ورزید، این موروخ می‌گوید: مردم حتی وقتی برای نماز به مسجد می‌آمدند، یکی می‌گفت: آقا! شما کار ساختمانی منزلتان را تمام کردید؟ حرف‌هایشان همه از این قبیل بود. بعد از این دو نفر، عمر بن عبدالعزیز آمده، اهل عبادت بود. موروخ می‌گوید: مردم کوچه و بازار وقتی به هم می‌رسیدند، یکی می‌گفت: آقا! راستی شما دیروز دعای ماه رجب را خواندید؟ دیگری می‌گفت: آن دو رکعت نماز را خواندید؟ بنابراین، رفتار ماها (حاکمان و مدیران) تأثیر قهری در رفتار مردم دارد» (بیانات رهبری: ۱۳۸۴/۴/۸).

ایشان در بیان دیگری درباره نقش حاکمان و مسئولین در زیاده‌روی مردم در مصرف گفتند: بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ریخت و پاش‌ها در رفتار مردم، به خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را «بزرگترها» می‌دانند، اگر اسراف در سطوح بالا (مدیران) نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد» (بیانات رهبری: ۱۳۹۳/۱/۱).

نتیجه‌گیری

زندگی، زمانی مطابق با سبک و شیوه‌های تعیین شده از سوی خداوند حکیم و دانا خواهد شد که عوامل و زمینه‌های آن فراهم شود که عبارتند از:

۱. ایمان و باورهای انسان به درجه‌ای برسد که:

اول آنکه، اسلام دینی است که بهترین راه کارهای چگونگی زیستن را در حوزه‌های گوناگون زندگی برای بشر به ارمغان آورده است؛

دوم آنکه، تمام توصیه‌های خداوند و اولیای او در باره چگونگی زیستن برخواسته از حکمت و مصالح بندگان است؛

سوم آنکه، هرچه ایمان و باورهای قلبی به خداوند و عالم قیامت در انسان قوی‌تر باشد، سبک و شیوه چگونگی زیستن او الهی‌تر خواهد شد؛

چهارم آنکه، هرچه سبک و شیوه زندگی اسلامی‌تر شود، چراغ معنویت و برکات الهی فروزان‌تر خواهد شد؛

پنجم آنکه، پرهیز از هرگونه شیوه‌های غیر اسلامی در زندگی، سبب حفاظت افراد و جامعه از آسیب‌های گوناگون خواهد شد.

۲. مردم زمانی سبک زندگی خود را بر اساس آموزه‌های دینی انتخاب و تنظیم می‌کنند که ببینند افراد دعوت‌کننده به آن آموزه‌ها، خود نیز به آن عمل می‌کنند.

۳. شیوه زندگی در جامعه، زمانی به سوی اسلامی شدن خواهد رفت که سبک زندگی حاکمان و مدیران آن جامعه نیز بر اساس توصیه‌های اسلامی بنا شده باشد.

کتابنامه

* قرآن کریم.

* مفاتیح الجنان.

۱. آمدی، عبدالواحد تمیمی (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و دررالحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ری شهری، محمد مهدی (۱۴۱۶)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۴)، تحف القعول، قم: جامعه مدرسین.
۴. بابویه، علی بن محمد (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۵. _____، (۱۳۸۵) علل الشرایع، قم: داوری.
۶. برقی، احمد بن محمد خالد (۱۳۷۱)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت .:
۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، مصباح الشریعه، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۹. حسین زاده، علی (۱۳۹۳)، سبک زندگی، قم: موسسه امام خمینی .:
۱۰. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۴)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .:
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.
۱۲. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، همیشه بهار، قم: نشر معارف.
۱۳. شیخ مفید، محمد (۱۳۶۴)، الامالی، ترجمه: استاد ولی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الامالی، قم: دارالثقافه.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر عیاشی، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. فاتحی زاده، مریم السادات و دیگران (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایان آمار طلاق»، در: دو فصلنامه مطالعات تربیتی و روان شناسی، دوره ۶، ش ۲۱، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۷. فاضل، قانع (۱۳۹۲)، «سبک زندگی، ضرورت‌ها و راهبردها»، در: فصلنامه تخصصی محفل، ش ۸، تهران: معاونت پژوهشی حوزه علمیه تهران.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفا.
۲۰. کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مصباح، محمد تقی (۱۳۹۲)، «سبک زندگی اسلامی، ضرورت‌ها و کاستی‌ها»، در: مجله معرفت، ش ۱۸۵، قم: موسسه امام خمینی.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق .:
۲۵. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت .:
۲۶. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۱۶)، اسرار آل محمد، قم: الهادی.